**قیام علیه حکومت اسلامی سرمایه داران!**

**(5)**

**پس مانده های"اصلاح طلب" خیلی زود شمشیرها را از رو بستند!**

**محسن ابراهیمی**

ebrahimi1917@gmail.com

**یک مقدمه کوتاه:**

این یادداشت بخش پنجم از سلسله یادداشتهایی است که تحت این عنوان آغاز کرده بودم و مربوط به دو روز پیش است. بخش چهارم این یادداشتها این عنوان را داشت: "رهبر ارتجاع کجاست؟ چرا رجزخوانی نمیکند؟" آنجا از واکنش مستاصلانه خامنه ای در مقابل مردمی که در خیابان شعار "مرگ برخامنه ای" فریاد میزدند صحبت کرده بودم. اینکه خامنه ای بر خلاف رجزخوانیهای همیشگی اش به جای حضور در مقابل سران سپاه و شاخ و شانه کشیدن به مردم قیام کننده، تعدادی از زنان و مردان بیت را جمع کرده بود و بسیار زبونانه از این صحبت میکرد که حرفهایی با "مردم عزیز" دارد که بزودی خواهد گفت.

در همین چند روز گذشته یک اتفاق افتاده است که مهم است. اعتراضات خیابانی فروکش کرده اند (به نظر من به طور موقت) و سران حکومت دارند از سوراخهایشان بیرون میایند. به واکنش روحانی و خامنه ای در قبال عصیان مردم در یادداشتی دیگر خواهم پرداخت. اما علیرغم فروکش کردن موقت تظاهرات خیابانی، هنوز باید به جنبه مختلف قیامی که ۷ تیر آغاز شد پرداخت. یکی از این جنبه ها موقعیت "گفتمان" اصلاح حکومت اسلامی است که قیام اخیر نقطه پایان رسمی و علنی بر آن گذاشت.

مردم بپاخاسته با شعارهایشان اعلام کردند که شاخه ها و باندها و جناحهای مختلف حکومت را یکپارچه میدانند و علیه کلیت حکومت به خیابان آمده اند. از نقطه مقابل نه تنها همه جناحهای حکومتی بلکه حتی به "اپوزیسیون" رانده شده های جناح اصلاح هم با دیدن خطر علیه کلیت حکومت مشتهای کثیف خود را باز کردند و علنا اعلام کردند که زیر عبای خامنه ای و روحانی و علیه مردم به پاخاسته شمشیر خواهند زند.

یادداشت شماره ۵ مربوط به این بخش از جریان ملی – اسلامی اصلاح طلب است و اگر چه مربوط به دو روز پیش است اما جا دارد به عنوان شماره ۵ همان سلسله یادداشتهای قبلی منتشر شود.

\*\*\*

در دور دوم مضحکه انتخاباتی مربوط به روحانی بخشهایی از مردم هنوز این تصور و این توهم را داشتند که شاید با سرکار آمدن جناح "اصلاح و اعتدال" گرهی از گره های زندگیشان باز شود. اما روشن بود که بی پایه بودن این تصور با سرعت خیره کننده ای برملا خواهد شد. نقش روحانی دو لبه بود: با یک لبه قرار بود مردم محروم را همچنان در انتظار نگاه دارد و خطر تقابل نهایی مردم با حکومت را به تاخیر بیاندازد و لبه دیگرش این بود که سیاستهای ریاضت اقتصادی را این بار با قیافه سردار مدافع "حقوق شهروندی" بر طبقه کارگر ایران و تهیدستان تحمیل کند.

خاصیت اصلاح طلبان حکومتی و زائده های برون حکومتیشان برای حکومت اسلامی همیشه این بوده است که تیزی خشم و نفرت مردم علیه کل حکومت اسلامی را کند کنند. در نقش میش ظاهر شوند و حائلی میان مردم و گرگ درنده حاکم باشند.

مدت کوتاهی بعد از نمایش انتخاباتی دور دوم روحانی نگذشت که حتی برای متوهمترین بخش جامعه هم معلوم شود که روحانی در پوشش حقوق شهروندی تعرض تازه ای را علیه حقوق شهروندی آغاز خواهد کرد، به نام حقوق شهروندی دستبرد تازه ای به سفره کارگران و تهیدستان را شروع خواهد کرد و کوچکترین قدمی حتی برای شل کردن چنگال مذهب در زندگی مردم برنخواهد داشت. بودجه سال ۹۷ بیان رسمی این تعرض تازه بود. بودجه ای که ثروت جامعه و محصول دسترنج کارگران را تماما برای فربه کردن و قدرتمند کردن ارگانهای سرکوب و امنیتی و اسلامی اختصاص داده است.

بودجه ۹۷ رسما از کابینه دولت اسلامی سرمایه داران سفره تهیدستان را هدف قرار داد. اما همان تهیدستان حتی صبر نکردند سال رسمی پیاده کردن بودجه فرا رسد و خیلی سریع از کف خیابانها رئیس جمهور اسلامی را آماج حمله سراسری قراردادند. بی دلیل نیست که اولین شعار مردم بپاخاسته "مرگ بر روحانی" بود که بلافاصله با شعار "مرگ بر خامنه ای" تکمیل شد. چرا که بپاخاستگان خوب میدانند که روحانی رئیس قوه اجرایی حکومتی است که خامنه ای در راسش است. و بالاخره شعاری در خیابانها طنین افکند که پایان رسمی یک دوره را علنا اعلام کرد. و این شعار چه بود؟ "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تموم شد ماجرا"!

این شعار به گویا ترین وجهی خاتمه رسمی و علنی دوره ای در فضای سیاسی ایران است. این شعار یک اعلام جنگ علنی به کل ساختار سیاسی حاکم با همه جناحهایش است. اعلام رسمی این حقیقت است که اکثریت محروم و ستمدیده و تحت تبعیض جامعه میدانند اولین قدم برای هر تغییری در وضعیت زندگی اکثریت عظیم مردم و مخصوصا طبقه کارگر عبور از کلیت حکومت اسلامی است. این شعار بیان روشنی از این حقیقت سیاسی است که حتی استفاده تاکتیکی از اختلاف جناحهای حکومتی هم جایی در صحنه سیاسی ایران ندارد.

به این معنا حتی متوهم ترین بخش مردم هم از هر جلوه ای از گفتمان اصلاح حکومت عبور کرده اند اما پس مانده های اصلاح طلبان سالهای گذشته به نحو رقت انگیزی و البته مذبوحانه و مستاصلانه دارند مقاومت میکنند. این پس مانده ها چه کسانی هستند؟ صحبت بر سر صفی است که زمانی زیر عبای شکلاتی خاتمی و بعد زیر عبای سبز کروبی و همرزم مکلایش موسوی می پلکیدند و بعدا زیر عبای بنفش روحانی حضور بهم رسانده بودند، و امروز در لحظات تعرض به روحانی و کل حکومت همه باهم شمشیرها علیه مردم به پاخاسته را از رو بسته اند. در داخل ایران رسانه های مجاز و خودی را به سنگری برای لجن پاشی علیه قیام توده مردم تبدیل کرده اند و در خارج به نوبت پشت دوربین بی بی سی و صدای آمریکا ظاهر میشوند تا از مردم بپاخاسته تصویر خشونت طلب و خرابکار بسازند که گویا به تحریک "خارجیها" به "اموال عمومی" صدمه میزنند و خشونت (!) به خرج میدهند.

چرا این صف درمانده حتی نق زدنهای درون حکومتیش را کنار گذاشته و این چنین آشکارا شمشیرها را از غلاف بیرون کشیده است و برای حکومت اسلامی جانفشانی میکند؟ به دلایل بسیار روشنی:

اولا، خیلی از شخصیتهای این صف خود در دوره های مختلف در راس حکومتی بوده اند که امروزمردم مصمم هستند به عمرش پایان دهند. به این معنا به عنوان بخشی از حکومت خود موضوع قیام مردم هستند.

ثانیا، خوب میدانند موجودیت سیاسیشان حتی در نقش رقت انگیز منتقد خودی هم تماما منوط به موجودیت حکومتی است که اینها در حاشیه اش روزگار میگذرانند. وقتی حکومت اسلامی موجود نباشد، روشن است که "منتقد" درون حکومتیش هم دیگر موضوعیت و موجودیت نمیتواند داشته باشد. اپوزیسیون درون حکومتی حکومت اسلامی تا زمانی موجودیت میتواند داشته باشد که خود حکومت اسلامی پابرجا باشد.

با توجه به همه اینها درک این حقیقت سخت نیست که چرا جماعت "اصلاح طلبان" که تا دلتان بخواهد در میانشان سازماندهنگان اولیه جمهوری اسلامی وجود دارند، امروز آشکارا در مقابل مردم بپاخاسته و برای حفظ نظام اسلامی شمشیر میزنند.

۱۷ دی ۱۹۹۶- ۷ ژانویه ۲۰۱۸